

یک طلبه معلم: چون طلبه نماد دین است به معلم‌های طلبه ایراد می‌گیرند.

دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش‌وپرورش از ورود ۳۰۰۰ طلبه به مدارس خبر داد

طلاب امسال با «قرارداد کار معین» مشغول به آموزش می‌شوند

گروه اجتماعی | دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش از جذب و ورود 3000 طلبه به مدارس کشور خبر داد و علت این اقدام را که به دنبال تفاهمنامه منعقدشده میان وزارت آموزش و پرورش و حوزه‌های علمیه صورت گرفته، حضور روحانیون متخصص در امر تربیت کودک و نوجوان و تقویت هویت دینی دانش‌آموزان به دنبال ایجاد فرصت گفت‌وگویی چهره به چهره عنوان کرد.

حمید نیکزاد در گفت‌وگو با ایسنا در توضیح نحوه جذب طلبه‌ها در مدارس اشاره کرد که ورود طلاب به مدارس از طریق شرکت در آزمون و مصاحبه امکان‌پذیر می‌شود علاوه بر آنکه تعدادی از طلبه‌ها هم به عنوان سرباز معلم در آموزش و پرورش جذب خواهند شد. به گفته نیکزاد، در حال حاضر حدود ۳۰۰۰ طلبه به عنوان معلم در مدارس نقاط حاشیه‌ای شهرها و مناطق کم‌برخوردار مشغول به کار شده‌اند و تلاش‌های صورت‌گرفته به دنبال انعقاد تفاهمنامه‌ها با وزارت آموزش و پرورش در این راستاست که تعداد طلبه‌ها در قالب معلم و نیروی آموزشی در مدارس افزایش یابد.

طبق اطلاعاتی که «اعتماد» کسب کرده، از اواخر مرداد امسال، به دنبال انتشار فراخوان‌های جذب، مقرر شد که طلبه‌های متقاضی آموزگاری ابتدایی مدارس، با پوشش «قرارداد کار معین» در مدارس

کشور مشغول به کار شوند. قرارداد کار معین از قراردادهای شغلی موقت است که برای انجام کاری در مدت مشخص تعریف شده و اختیار فسخ یکطرفه قرارداد را از کارفرما سلب کرده و کارفرما را به پرداخت صددرصدی حقوق و مزایای مورد تعهد به کارگر یا کارمند موظف می‌کند. در این نوع قرارداد، کارفرما موظف است تمام مزایای شغلی از جمله بیمه و سنوات کارگر را به‌طور کامل پرداخت کند وگرنه مرجع قضایی با جانبداری از حق کارگر، کارفرما را به پرداخت خسارت و جریمه محکوم خواهد کرد. حقوق کارگر یا کارمند در این نوع قرارداد، معادل ۸۰ درصد از حقوق و قراردادهای پیمانی به علاوه مزایای رفاهی خواهد بود.

از سه سال قبل تاکنون و به دنبال انعقاد تفاهمنامه حوزه‌های علمیه با وزارت آموزش و پرورش و ستاد کل نیروهای مسلح، مقرر شد طلبه‌های دارای مدارک حوزوی سطح یک (معادل کاردانی و فوق دیپلم) به بالا، از طریق شرکت در آزمون سراسری و ورود به دانشگاه فرهنگیان یا از طریق شرکت در آزمون استخدامی آموزش و پرورش و گذراندن دوره یکساله مهارت‌آموزی و همچنین از طریق دریافت امریه «سرباز طلبه» در تمام مدارس کشور و در تمام مقاطع تحصیلی مشغول به تدریس شوند. مجوز تدریس طلبه‌ها در مدارس کشور، ناظر بر مصوبه سال 1398 شورای معین انقلاب فرهنگی است.

تیر ماه سال 1398 معاون فرهنگی - تبلیغی حوزه‌های علمیه خبر داد که به دنبال مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، طلاب می‌توانند از سهمیه 10 درصدی آزمون استخدامی آموزش و پرورش ویژه حوزه‌های علمیه استفاده کرده و در 8 رشته دبیری عربی، مربی امور تربیتی، دبیری معارف اسلامی، آموزگار ابتدایی، دبیری ادبیات فارسی، دبیری علوم اجتماعی، دبیری تاریخ و دبیری فلسفه معلم شوند.

معاون فرهنگی حوزه‌های علمیه که خود نیز عضو ستاد همکاری‌های حوزه و آموزش و پرورش بود در توضیحات بیشتر گفته بود: «طلاب قبل از این نیز می‌توانستند در برخی دروس مدارس مثل عربی، قرآن و علوم تربیتی ورود داشته باشند، ولی حوزه علمیه نه در آموزشها مشارکت داشت و نه در برنامه‌ریزی‌ها. به دنبال انعقاد تفاهمنامه‌ای مقرر شد که طلاب دارای مدرک سطح 2 حوزه، یا از طریق شرکت در کنکور سراسری و ورود به دانشگاه فرهنگیان و طی کردن دوره آموزشی 4 ساله معلمی یا با استناد به ماده 28 اساسنامه دانشگاه فرهنگیان و شرکت در آزمون استخدامی، آموزش‌های لازم را در یک دوره یکساله مهارت‌آموزی فراگرفته و در جریان جذب و استخدام در آموزش و پرورش قرار گیرند.»

طبق اعلام این مقام مسوول، در اولین دوره فراخوان آمادگی مجازی

طلاب براي شرکت در آزمون استخدامي آموزش و پرورش در سال تحصيلي 1398 - 1399، بيش از 8700 طلبه نام‌نويسي کرده بودند و پيش‌بيني ميشد که تعداد اين افراد تا پايان مهلت ثبت‌نام به بيش از 10 هزار نفر هم برسد.

طبق مقررات، قوانين و بخشنامه رسمي وزارت آموزش و پرورش، رشته آموزش ابتدائي با بيشترين ظرفيت پذيرش در دانشگاه فرهنگيان ارايه ميشود که در گروه علوم انساني بيش از ساير گروه‌ها ظرفيت دارد. داوطلب تدریس در مقطع ابتدائي، ضمن داشتن ديپلم و پيش‌دانشگاهي، بايد در کنکور سراسري حداقل تراز 6500 و بالاتر را کسب کرده باشد تا موفق به ورود به دانشگاه فرهنگيان شود و بعد از قبولي در مصاحبه ميتواند در اين دانشگاه ادامه تحصيل دهد. آموزش ابتدائي يکي از رشته‌هاي تخصصي اين دانشگاه است و علاوه بر تحصيل در اين دانشگاه بايد از نظر ويژگي‌هاي ظاهري و جسماني (مهارت گفتاري، قدرت بينايي، قدرت شنوايي، عدم نقص عضو مشهود و مشخص در انجام وظائف معلمي، عدم ابتلا به بيماري‌هاي مزمن و صعب‌العلاج) هم درجه پذيرش دريافت کند. فارغ‌التحصيلان دانشگاه فرهنگيان بايد به مدت حداقل 5 سال در يکي از مناطق مورد نياز سازمان آموزش و پرورش طرح تعهد خدمت بگذرانند. گروهي هم که مي‌خواهند از طريق آزمون استخدامي آموزش و پرورش به معلمي مقطع ابتدائي برسند ضمن برخورداري از شرايط سني مورد نظر وزارتخانه بسته به نوع مدرک تحصيلي و برخورداري از سلامت جسماني و رواني متناسب با شغل معلمي، پس از شرکت در آزمون که هر ساله توسط سازمان سنجش برگزار ميشود براي مصاحبه دعوت ميشوند و بعد از موفقيت در آزمون شفاهي و کتبي، وارد دوره مهارت‌آموزي يک‌ساله در دانشگاه فرهنگيان شده و سپس به وزارت آموزش و پرورش معرفي ميشوند.

نه تنها از سال 1398 تاکنون، هر ساله همان سهميه 10 درصدي ورود طلاب به آزمون استخدامي آموزش و پرورش به قوت خود باقي است، در مقطعي اعلام شد که تعداد طلاب مشغول به تدریس در مدارس به 4500 نفر افزايش يافته است.

طبق تبصره 1 ماده واحده «نحوه جذب منابع انساني در مشاغل آموزشي و تربيتي وزارت آموزش و پرورش» که در جلسه 833 شوراي عالي انقلاب فرهنگي در سال 1399 و بر اساس پيشنهاد وزارت آموزش و پرورش به تصويب و به امضاي رييس‌جمهوري وقت رسيد، تاکيد شده است: «دانشگاه‌هاي فرهنگيان و تربيت دبیر فني شهيد رجائي علاوه بر جذب دانشجو معلم و هنرآموز موضوع ماده 28 اساسنامه دانشگاه فرهنگيان و ماده 1 اساسنامه دانشگاه تربيت دبیر فني شهيد رجائي، ميتوانند از ظرفيت علمي ساير دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالي و حوزه‌هاي

علمیه برای تربیت نیروهای آموزشی و تربیتی موردنیاز استفاده کنند.»

طبق دستورالعمل‌های اجرایی مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تنها شرط شرکت در آزمون استخدامی وزارت آموزش‌وپرورش، داشتن مدرک کارشناسی (معادل سطح 2 تحصیلات حوزوی) است و گفته می‌شود که سایر متقاضیان تدریس در مقاطع اول و دوم تحصیلی که دانش‌آموخته دانشگاه فرهنگیان یا رشته‌های مرتبط نیستند، از ورود به حیطة تدریس در مدارس حذف می‌شوند در حالی تمام طلبه‌ها صرفاً با در دست داشتن مدرک سطح 2 تحصیلات حوزوی می‌توانند در آزمون استخدامی وزارت آموزش و پرورش شرکت کرده و در صورت قبولی، وارد عرصه تدریس در مدارس شوند.

در این سال‌ها علاوه بر اعطای فرصت سهمیه‌ای شرکت در آزمون استخدامی، یک مسیر دیگر هم برای حضور طلاب در نظام آموزشی کشور هموار شده است؛ حضور «سرباز طلبه» از طریق «امریه در وزارت آموزش و پرورش». ستاد کل نیروهای مسلح، سالانه ظرفیت بسیار محدودی به امریه دستگاه‌های دولتی اختصاص می‌دهد و تنها شرط تخصصی برای سرباز طلبه‌هایی که داشتن مدرک سطح یک حوزه (معادل کاردانی) برای‌شان کفایت می‌کند، این است که به موازات دوره کوتاه آموزش‌های نظامی، یک دوره مهارت‌آموزی ۵۴ ساعته را از طریق مرکز آموزش‌های مهارتی و کاربردی حوزه علمیه بگذرانند و سپس در مدارس منتخب مشغول به تدریس شوند.

در بخشنامه «جذب و سامان‌دهی روحانیون وظیفه در آموزش و پرورش» که نیمه خرداد امسال و برای سال تحصیلی جدید از سوی معاونت برنامه‌ریزی و توسعه منابع آموزش و پرورش، به ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها ابلاغ شده آمده است: «با توجه به مجوز ستاد کل نیروهای مسلح و مکاتبات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ضروری است همانند سنوات گذشته، تعدادی از روحانیون، دوران خدمت وظیفه خود را در فعالیتهای آموزشی، پرورشی و امور فرهنگی وزارت آموزش و پرورش به انجام برسانند. بر اساس این بخشنامه، دارا بودن کد فعال در مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، برخورداري از توانایی جسمی لازم برای انجام ماموریت‌های محوله، تعهد به انجام ماموریت‌های محوله در طول دوران خدمت سربازی، ملبس بودن به لباس روحانیت و تعهد به رعایت سایر شوون روحانیت، دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی سطح یک حوزه یا گواهی موقت پایان تحصیلات سطح یک، از شرایط فردی روحانیون نظام‌وظیفه برای جذب در وزارت آموزش و پرورش است.»

طبق این بخشنامه، اولویت خدمت وظیفه این گروه از طلاب، تدریس درس پرورشی است اما با این حال، وزارت آموزش و پرورش در قبال سرباز

طلبه‌ها موظف به پرداخت حقوق ماهانه شده است.

رویکرد حوزوی‌ها به جو جامعه چیست؟

سید سجاد سید ولیلو؛ طلبه سطح 4 حوزه علمیه که از طریق قبولی در آزمون استخدامی آموزش و پرورش، مشغول به تدریس در مدارس شده بود، چندی قبل در گفت‌وگو با خبرگزاری «حوزه» گفته بود: «در فضای مدرسه‌ها، بعضی از معلم‌ها استقبال می‌کنند، بعضی بی‌تفاوت هستند و بعضی دیگر حالت جبهه‌گیری دارند که چرا روحانیون وارد فضای درس و مدرسه شده‌اند؟ احساس می‌کنند که حقشان خورده شده یا اینکه طلبه‌ها از سهمیه آنها برای بحث تدریس استفاده می‌کنند. بعضی‌ها هم می‌گویند چون برای طلبه‌ها جا پیدا نکردند، فرستادند به مدرسه‌ها و بعضی‌ها می‌گویند که طلبه باید فقط به مسجد و هیات برود و البته چون طلبه نماد دین است و برخی از این معلم‌ها هم با نظام و دین مشکل دارند، به معلم‌های طلبه ایراد می‌گیرند. دانش‌آموزان در ابتدای امر تعجب می‌کنند که یک روحانی معلم شده است، اما از آنجایی که طلبه‌ها به برخی دروس تسلط دارند (مثلا من عربی تدریس می‌کنم) و اینکه روحانی‌ها هم مانند خیلی از معلمان دلسوز با جان و دل برای بچه‌ها زحمت می‌کشند و حتی می‌توانم بگویم به خاطر دغدغه‌های تبلیغ دینی در کنار تدریس بیشتر با دانش‌آموزان همراهی می‌کنند لذا اکثر دانش‌آموزان از روحانی معلم استقبال می‌کنند و مشکلی ندارند.»

این طلبه در توجیه هدف‌گذاری حوزه‌های علمیه برای راه یافتن به مدارس از طریق طلاب معلمان گفته بود: «من الان برای نماز و منبر به مسجد می‌روم، در مسجدی که فرض بگیریم حدود ۳۰ نفر نمازگزار وجود دارد، نهایت ۷ یا ۸ نفر فقط نوجوان و جوان هستند و مابقی نمازگزاران معمولاً مسن هستند. اما در مدرسه هر کلاس حداقل ۳۰ نفر دانش‌آموز وجود دارد که بنده در سه مدرسه و در هر مدرسه ۴ کلاس درس دارم؛ آیا کار تبلیغی مهم‌تر از این هم می‌تواند باشد؟ هم‌سنگ‌شان کم است و هم مخاطبانی یکدست هستند، این همه مخاطب با این ویژگی‌ها را کجا می‌توان بدون هیچ هزینه‌ای پیدا کرد؟»

انتظار 7 ساله برای دریافت مطالبات قانونی

هزاران آموزش‌دهنده نهضت سوادآموزی و معلم حق‌التدریس، همچنان چشم‌انتظار حل مشکلات صنفی و دریافت مطالبات‌شان هستند. یکی از معلمان حق‌التدریس در منطقه مرزی «راز و جرگلان» در مرز ایران و ترکمنستان که زمستان سال گذشته بعد از 7 سال حق‌التدریسی بالاخره به یک معلم پیمانی تبدیل شد و حالا شرایط کمی بهتر از زمان حق‌التدریسی دارد، درباره مرارتهای ایامی که بدون هیچ امید و

پشتوانه‌ای، مسافتهای طولانی را طی می‌کرد تا به مدرسه برسد و صبر و بردباری را به شاگردان خود بیاموزد به «اعتماد» می‌گوید: «غیر از روزهای پنجشنبه و جمعه، تمام روزها مثل معلمان رسمی از ساعت 7 صبح تا 12 ظهر درس می‌دادیم. خانه ما بجنورد بود و برای رسیدن به مدرسه در منطقه مرزی، هر روز 100 کیلومتر می‌رفتم و 100 کیلومتر برمی‌گشتم. سال 1393 که به عنوان معلم حوالتدریس مشغول به کار شدم، حقوق ماهانه‌ام 600 هزار تومان بود و آن‌هم با دو یا سه ماه تاخیر پرداخت می‌شد و غیر از بیمه، از باقی مزایای معلمان رسمی محروم بودیم. بیمه هم فقط به ازای 9 ماه سال تحصیلی پرداخت می‌شد و بنابراین، امروز و بعد از 7 سال معلمی، سابقه خدمت من بر اساس مدت بیمه‌پردازی کارفرما، 3 سال و 6 ماه است. بابت تبعیضی که در حق ما روا می‌داشتند بارها تجمع کردیم تا بالاخره پذیرفتند حقوق‌مان را کمی افزایش دهند. زمستان پارسال، آخرین حقوقی که قبل از تبدیل وضعیت دریافت کردم 2 میلیون تومان بود در حالی که هر روز بابت رفت و برگشت به مدرسه مرزی، 100 هزار تومان از جیبم هزینه می‌کردم.»

بعد از انتشار مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره اختصاص 10 درصد از سهمیه آزمون استخدامی آموزش و پرورش به طلاب متقاضی تدریس در مدارس کشور، برخی فرهنگیان، تبعیت وزارت آموزش و پرورش از این مصوبه را گرایش به سمت غیرتخصصی شدن سیستم آموزشی می‌دانستند و معتقد بودند هدف‌گذاری برای کاهش نرخ بیکاری در جامعه دانش‌آموختگان حوزه‌های علمی، دلیل موجهی برای تنزل سطح تدریس در نظام آموزشی رسمی کشور نیست.

برخی فرهنگیان همچنین این رویه را تلاشی برای ایجاد وجهه علمی و آموزشی برای طلاب می‌دانستند و تعداد دیگری هم، ورود طلاب به نظام تدریس در آموزش عمومی کشور را در منافات با فلسفه تحصیلات حوزوی می‌دانستند و می‌گفتند طلبه به حوزه علمی می‌رود تا با فراگیری تخصصی احکام و علوم دینی، در جایگاهی که برای او تعبیه شده به هدایت معنوی شهروندان مشغول شود نه اینکه بدون پیشینه مطالعاتی و تخصصی در دروس مورد نظر (تاریخ و ادبیات فارسی و علوم اجتماعی) در جایگاه دبیری و در مقطع دوم متوسطه بنشیند و یک درس تخصصی تدریس کند.

جمعی از معلمان مقطع ابتدایی (مقطع متوسطه اول) هم می‌گفتند دوره ابتدایی مهم‌ترین دوره آموزشی در نظام تحصیلی است و آموزگار دوره ابتدایی، باید همزمان نقش مربی، آموزگار والد را برای کودک ایفا کند تا آموزش و پذیرش همزمان به نتیجه برسد و البته رایه چنین نقشی صرفاً از آموزگاری برمی‌آید که در دروس تخصصی رایه این

آموزشها همچون روانشناسي تربيتي تحصيلکرده باشد در حالي که تنها شرط ورود به آزمون استخدا مي، مدرک حوزوي سطح 2 است.

شماره : ۱۴۰۱ ۱ شماره ۱۴۰۱